# در عالم موسیقی و صنعت

## چهار کنفرانس
## به ضمیمه‌ی مقاله‌ی «صنایع ظریفه»


اثر

**علینقی‌خان وزیری**

بازنویسی، ویرایش، یادداشت‌ها وتحلیل

**شهرام آقایی‌پور**



**مؤسسه‌ی فرهنگی ــ هنری ماهور**

**تهران ۱۴۰۲**

**مقدّمه** ..... ۶
**مقدّمه‌ی استاد سعید نفیسی** ..... ۱۰
**کنفرانس اوّل** ..... ۱۳
صنعت و اهمیّت آن
**کنفرانس دوم** ..... ۲۱
موسیقی ایران و اهمیّت آن در قدیم
**کنفرانس سوّم** ..... ۲۸
راجع به موسیقی معاصر و موسیقی جدیدی که از بدو تأسیس مدرسه شروع شده و اثرات اخلاقی آن در روح مردم
**کنفرانس چهارم** ..... ۳۸
در تئاتر و کلّیات صنعتی
**مقاله‌ی صنایع ظریفه** ..... ۴۴
**آگاهی‌هایی درباره‌ی خطابه‌ها** ..... ۵۷
**تحلیل نقدها** ..... ۸۳
**سخن آخر** ..... ۱۰۱
**تصاویر** ..... ۱۰۷

## مقدمه

همه عالم صدای نغمه‌ی اوست  که شنید این چنین صدایِ دراز[۱]

پیشینه‌ی گفتمان سنّت و مدرنیته به سال‌ها پیش از انقلاب مشروطه برمی‌گردد. با این وجود از آغاز برنامه‌ی نوسازی در حکومت پهلوی اوّل وقتی که مناسبات سرمایه‌داری در ایران نضج گرفت و به دنبال آن ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اداری به سرعت پوست می‌انداخت، دامنه‌ی این بحث به حوزه‌ی فرهنگ نیزکشیده شد. در این بزنگاه تاریخی با توجه به فضای اجتماعی بوجود آمده، چهره‌های موسیقی هم ایده‌های تازه‌ی خود را ارائه می‌کردند. یکی از این چهره های فرهنگی علینقی وزیری بود.

وزیری به اعتبار نقش بی‌بدیلی که در تحول بنیادین و تغییر سرنوشت موسیقی ایرانی ایفا کرد از اهمیت شگرفی برخوردار است.

او در تیر ماه ۱۳۰۴ وقتی یک سال و چهار ماه از تأسیس «مدرسه عالی موسیقی» می‌گذشت برآن شد تا با اجرای چهار شب کنسرت عمومی برای اوّلین بار موسیقی‌اش را به عموم عرضه، و تأثیر این موسیقی را در مردم ببیند. وزیری خطابه‌هایی نیز تهیّه و قبل از کنسرت ها ایراد کرد تا آراء و نظراتش را بیان کند. این جمله‌ی استفهامی در ذهن اغلب کسانی که با تاریخ موسیقی معاصر سرو کار دارند نقش بسته که: چرا خطابه‌های وزیری مهم است؟

خطابه‌های چهارگانه درتاریخ موسیقی ایران از اهمیّت ویژه‌ای برخوردارند. زیرا وزیری در اوّلین کنسرت ها سعی کرد چارچوب فکری و چشم‌انداز اهداف آینده‌ی خود را به شکل خلاصه و منسجم به اهل فرهنگ آن زمان اعلان کند. چهار خطابه‌ی وزیری آیینه‌ی تمام نمای عقاید وزیری بود و در حقیقت الگوی ذهنی اوست که تا آخر فعالیت‌های فرهنگی و هنری از آن پیروی می‌کرد. خطابه‌ها متضمّن آراء و عقاید جدید در موسیقی، انتقاد از وضع موسیقی و موسیقی‌دانان ایرانی، اهمیت تئاتر و لزوم تغییر تصوّر مردم به آن و همچنین دعوت به تجدید نظر در ذائقه‌ی فرهنگ شنیداری مخاطبین بود. امروزه بعد از گذشت نود و هفت سال از ایراد خطابه‌ها، هنوز بوی تازه‌گی از آن استشمام می‌شود. آن‌چه مرا مصمّم به بازخوانی این سخنرانی‌ها کرد باور ذهنی‌ام به آنها به عنوان اهداف برنامه‌ریزی شده‌ی وزیری است و برآنم بدون مطالعه‌ی آنها، آگاهی از برنامه‌ی یکی از مهره‌های تجددخواهی در آن برهه‌ی دگردیسی اجتماعی، امکان‌پذیر نخواهد بود. از طرفی با مقایسه‌ی کارنامه‌ی این هنرمند و مصلح اجتماعی، با این خطابه‌ها می‌توان مقدار موفقیّت او در ایفای نقش تاریخی‌اش را ارزیابی کرد. از این رو بازخوانی مجدد آن فرصت مغتنمی است برای استفاده‌ی دوستداران و پژوهشگران تاریخ موسیقی ایران و پیش‌نیازی است برای ورود به مبحث «وزیری‌شناسی».

۱. شعر از فخرالدین عراقی است که در مقدمه‌ی کتاب «دستور تار»، چاپ ۱۳۰۱ برلین، استفاده شده بود.

**نسخه‌ی اساس**

سعید نفیسی می‌نویسد: «مرحوم حیدرعلی کمالی[۲]، شاعر معروف که در استقلال و بی‌نیازی، رادمردانِ این روش را به یاد ما می‌آورد و مرحوم میرمحمد حسین حسابی[۳] که از مردان بسیار درست و دانشمند و سراپا جوانمردی و مردانگی بود با من به مناسبت چند کنسرتی که وزیری برای عامه‌ی مردم داد کتاب کوچکی به عنوان یادگار دوستانه تدوین کردیم و چاپ کردیم.[۴] در همان کنسرت‌ها وزیری سه[۵] سخنرانی کرد که من نسخه‌ی آنها را از او گرفتم و در مجموعه‌ای به عنوان «در عالم موسیقی و صنعت» با مقدّمه‌ای از خود انتشار دادم.»[۶]

شایان ذکر است همان‌طور که نفیسی در مقدمه‌ی این جزوه اشاره کرده این چهار خطابه ابتدا متوالیاً در جریده‌ی معروف «شفق سرخ» به طبع رسیده بود. سپس بنا به خواهش او وزیری یادداشت‌هایی را که در تقریرات خود بدان متّکی بودند را برای نشر به ایشان داده و از روی آنها این صحیفه فراهم شده است. نهایتاً این کتاب در آبان ماه ۱۳۰۴ در ۶۸ صفحه به کوشش و مقدمه‌ی سعید نفیسی در مطبعه‌ی روشنایی به قیمت یک قران به زیور طبع آراسته؛ و سپس اعلان‌های آن در جراید مختلف چاپ گردید. یک نمونه اعلان‌های تبلیغاتی آن در روزنامه‌ی «شفق سرخ»، این گونه بود:

> در عالم موسیقی و صنعت، چهار کنفرانس راجع به موسیقی و مقاله‌ی مفصّلی راجع به صنایع مستظرفه، از آقای وزیری رئیس مدرسهٔ عالی موسیقی در یک جزوه اخیراً از طبع خارج شده، اشخاصی که ذوق موسیقی یا صنایع ظریفه‌ی دیگر را دارند، از مطالعه‌ی آن استفاده‌ی علمی و فنّی و اخلاقی خواهند نمود. در کتابخانه‌ی طهران، بروخیم، بارنئود، از قرار جلدی یک قران به فروش می‌رسد.[۷]

بعدها خلاصه‌ای از متن این جزوه را نیز روح‌الله خالقی شاگرد وفادار وزیری در جلد دوم کتاب سرگذشت موسیقی ایران (چاپ صفی‌علی‌شاه، ۱۳۳۶) یعنی حدود ۳۲ سال پس از اوّلین انتشار آورده است. لیکن نسخه‌ی مبنای بازنویسی مجموعه‌ی حاضر تماماً از چاپ استاد سعید نفیسی می‌باشد.

---

۲. حیدرعلی کمالی (۱۲۵۰ ابرقو– ۱۳۲۸ تهران)، روزنامه نگار، شاعر و نماینده‌ی مجلس شورای ملّی.

۳. عمیدالملک.

۴. مقصود جزوه‌ی «هدیه‌ی دوستانه» است که به یادگار کنسرت‌های بزرگ مدرسه در تیرماه ۱۳۰۴ در مطبعه‌ی فاروس به چاپ رسیده بود.

۵. در متن همین‌طور نوشته، ولی در اصل چهار سخنرانی است، سه کنفرانس با موضوع موسیقی و یک کنفرانس به تئاتر اختصاص داشت.

۶. به روایت سعید نفیسی، به کوشش علیرضا اعتصام، تهران، نشر مرکز،چاپ سوّم ۱۳۹۰، ص۴۰۳

۷. شفق سرخ، سال ۴، ش ۳۹۶، یکشنبه ۱۰ آبان ۱۳۰۴ش/ ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۴ق، ص ۴. به نقل از: اخبار و اسناد کلنل علینقی وزیری، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران، ماهور، ۱۳۹۸، ص۵۱

**روش بازنویسی و ویرایش**

**الف.** حتی‌المقدور در متن اصلی دستی برده نشده است تا حد امکان ساختار گفتار وزیری حفظ شود. تمامی تغییرات به دو صورت بوده یا در داخل متن کلماتی که به نظر می‌رسد در متن اصلی از قلم افتاده، و در این مورد مصحح برای خوانش سهل‌تر متن، این واژه‌ها را در داخل [ ] قرار داده مانند: «آن [را] به همه جای عالم بفرستید تا استفاده کنند». و دیگر این که شیوه‌ی نگارش و رسم‌الخط امروزی برخی کلمات را در داخل متن آورده و در پاورقی متذکر شده‌ایم که در اصل متن چگونه بوده است. مانند: ارکستر، در اصل: ارکست / مکانیک، در اصل: میکانیک / رُل‌ها، در اصل: رول‌ها

**ب.** غیر از چند مورد که معلوم کرده‌ایم، بقیه‌ی پاورقی‌ها از مصحح است. این تلویحات ضمائمی است از منابع معتبر برای شرح و تفسیر کلمات، اشخاص و یا وقایع که خواننده را آگاهی بیشتری می‌دهد و با بستر تاریخی اجتماعی و مفاهیم نهفته آشنا می‌سازد.

**ج.** از علائم سجاوندی مانند ویرگول،/ نقطه ویرگول ؛ / دونقطه‌ی عمودی :/ نشانه‌ی پرسش ؟/ نشانه‌ی ! / دو کمان () /گیومه «» / قلاب [] / خط فاصله – / و ... برای روشن کردن معنی و مشخص کردن آغاز و انجام عبارت‌ها و جمله‌ها و سهولت در خواندن متن به کار گرفته شده است.

**د.** کسره‌ی اضافه با همزه نشان داده شده‌است. همهٔ / درجهٔ / قاعدهٔ

**ه.** علائم ـَ ـِ ـُ ـْ به ندرت در متن اصلی وجود داشت. برای خوانش سهل‌تردر صورت نیاز به متن افزوده شده است.

**و.** برای کلمات مشدّد حتماً از علامت تشدید ( ّ ) استفاده کرده‌ایم.

**ز.** تلاش مصحح، بر جدانویسی واژه‌ها بوده از این‌رو:
– حرف «به» از کلمه‌ی بعد از خود جدا شده است. (بطوری به‌طوری) / (بهمین به‌همین)
– نشانه‌ی جمع‌ها جدا شده است: (تمدّنها تمدّن‌ها) / (موسیقیدانها موسیقی‌دان‌ها)
– حرف «می» از جزء پیشین فعل جدا شده است: (میشود می‌شود) / (میروند می‌روند)
– در اکثر موارد «که» به کلمه‌ی قبل از خود چسبیده بود در این متن جدا کردیم: (صورتیکه صورتی‌که) / (طوریکه طوری‌که )

**ح:** در نهایت در جدانویسی یا پیوسته‌نویسی، فاصله‌گذاری، حرکت‌گذاری و نشانه‌گذاری واژه‌ها کوشیده‌ایم علاوه بر یکدستی و پاکیزگی، ساختار متن اصلی حفظ شود.

**ط:** نقل‌قول‌های مستقیم از منابع، خصوصاً در پانویس‌ها در بین « » قرار گرفته‌اند.

**ی:** در بین نقل‌قول‌ها از منابع، هرگاه به جملات و مطالبی نیاز نداشته‌ایم آن را حذف کرده و با این [...] علامت نشان داده‌ایم.
مهرداد بهار در مقدمه‌ی کتاب واژه‌نامه‌ی بند هشن فروتنانه می‌نویسد: «من چشمان خود را کور کردم که غلطی پیش نیاید ولی نشد.» مصحح نیز در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و امیدوار است که متن منقح و بی‌عیب باشد.

**قدردانی و تقدیم نامه**

برگردن من حق مسلّمی دارند کسانی که در فراهم آمدن این کتاب یاری‌ام کردند. فرصت را مغتنم شمرده از آقای سپنتا حامدی‌نژاد برای خواندن چند باره‌ی متن و ذکر نکاتی ارزنده، از آقای دکتر حمید حسنی برای شرح برخی واژه‌ها و نگارش صحیح آنها و آقای سینا برومندی برای صفحه‌آرایی کتاب صمیمانه سپاسگزاری خود را اعلام می‌کنم.

و در آخر... اگر افتخاری است برای انسان‌های بی‌جانشینی است که چراغ فرهنگ و هنر این مرز و بوم را روشن نگه داشتند. این کمترین، ضمن بزرگداشت نام نام‌آوران فرهنگ و هنر ایران، انتشار مجدد این اثر را به پاس عاطفه‌ی سرشار و گرمای امیدبخش وَجود سیّد محمّد موسوی مدیر محترم موسسه‌ی فرهنگی هنری ماهور که در این سردترین روزگاران بهترین پشتیبان اهل هنر است به ایشان تقدیم می‌کنم.

**شهرام آقایی پور**
**تهران. تابستان ۱۴۰۱**

## مقدّمه‌ی استاد سعید نفیسی

در تیرماه ۱۳۰۴ به مناسبت ختام دورهٔ اوّل[۱] تحصیلات شاگردان مدرسهٔ عالی موسیقی، چهار کُنسرت[۲] برای استفادهٔ عموم داده شد. کسانی که در آن کُنسرت‌ها حضور داشتند و هنرنمایی‌های فکر توانای آقای علینقی‌خان وزیری ـ مدیر و مؤسس مدرسهٔ مزبور ـ را به توسط شاگردان زبردست او شنیدند بهترین مصدّق شیوایی‌های موسیقی جدید این استاد هستند؛ که قطعاً به زودی اسم او را در اکناف عالم به همه کس یاد خواهد داد. دامنهٔ الفاظ و عبارات، از بیان و تفسیر نغمات دلکش موسیقی این استاد هنرمند قاصر است و چیزی است که تا کسی نشنیده باشد نمی‌تواند روح‌نوازی آن را درک کند.

در این چهار شب آقای وزیری جنبهٔ مهم دیگری [هم] به حضّار نشان دادند که برای جامعهٔ ایران، کمتر از موسیقی طراوت‌بخش ایشان مهم نیست و آن مقامِ خطیب اجتماعی و صنعتی است؛ که مثل مقام موسیقی‌دانی، منحصر به آقای وزیری خواهد بود. چهار خطابه‌ای که در آن چهار شب ایراد کردند، و بعد در جریدهٔ معروف «شفق سرخ»[۳] متوالیاً به طبع رسید، شنوندگان را توشهٔ فکری مهمّی بخشیده است و من در همان حین که این الفاظِ تأثیر بخش از دهان این استاد بیرون می‌آمد آرزو می‌کردم که تمام افراد جامعهٔ ایران از آن فایده بردارند و پس از هر خطابه از ایشان خواهش کردم که تقریرات روانبخش خود را در صحایف[۴] کاغذ مخلّد[۵] سازند و یادداشت‌هایی را که در تقریرات خود بدان متّکی بودند برای طبع و نشر محیّا کنند و ایشان هم خواهش مرا اجابت کردند و صحایفی که در این مجموعه به نظر خوانندگان محترم می‌رسد، فراهم شد. در همان زمان که آقای وزیری تقریرات خود را یادداشت می‌کردند، خیال من آن بود که آن را در مجموعهٔ علیحده گرد آورم؛ و برای کسانی که از شنیدن آن محروم مانده‌اند، ارمغان بگذارم و از همان وقت شالودهٔ این رساله که به ظاهر کوچک، ولی در باطن بسیار بزرگ است ریخته شد؛ و خوشبختانه امروز در این صحایف به کسانی که قدر افکار بلند را می‌دانند و به عقاید صاحبانِ ایمان و شجاعان عالمِ فکر احترام می‌گذارند تقدیم می‌شود.

---

۱. مدرسه‌ی عالی موسیقی در اسفند ۱۳۰۲ افتتاح شد.

۲. در اصل: کُنسر. در برخی اطلاعیه‌های جراید از «بزم نوایی» به جای کنسرت استفاده می‌شد. نگ.ک. به: اعلان اجرای موسیقی در شب فردوسی، مدرسه عالی موسیقی مصمم شده است عن قریب بزم نوائی به یاد آن استاد دژم سرا برپا نماید. (روزنامه‌ی شفق سرخ، ش ۳۸۲، ۸ مهر۱۳۰۴، ص ۱)

۳. «شفق سرخ روزنامه‌ای در ایران بود که علی دشتی انتشار می‌داد. ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ نخستین شماره‌ی آن منتشر شد. این روزنامه که در دوره‌های اوّل خود تحت نظر مستقیم دشتی اداره می‌شد، یکی از جراید بزرگ و آبرومند تهران بود و بسیاری از جوانان تازه به راه افتاده، که همه‌شان با ذوق و فعّال بودند و بعدها نویسندگان شایسته‌ی کشور شدند، با مدیر آن همکاری داشتند.» (آرین‌پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوّار، چاپ چهارم ۱۳۸۲، ص ۳۲۱)

۴. جمع صحیفه، نامه‌ها، کتاب‌ها

۵. جاوید و جاویدان

در موقعی که این صحایف در مطبعه[۶] بود، بر حسب اتّفاق به دورهٔ مجلّهٔ ادبی «ایرانشهر»[۷] که از دو سال و اندی قبل در برلین ـ پایتخت آلمان ـ طبع می‌شود و از مطبوعات عالی قدر زبان پارسی است؛ رجوع می‌کردم و در دورهٔ سال دوم آن در شمارهٔ ۳، ۵ و ۶ به مقاله‌ای از قلم آقای وزیری به عنوان «صنایع ظریفه» برخوردم که سال گذشته نیز به خواندن آن در حین انتشار فایض[۸] شده بودم. ستایشی که همیشه نسبت به تراوش افکار آقای وزیری داشته‌ام، دوباره مرا به خواندن آن مقاله رهنمایی کرد و به ذخایر گران بهایی که از گنجینهٔ فکرِ روشن و دلیر او در این مقاله به رایگان بیرون آمده است؛ بار دیگر متوجّه شدم و دیدم حیف است که آن دُرر یتیم[۹] و غُرر افکار[۱۰] در ضمیمهٔ این صحایف دفعه‌ای دیگر به خوانندگان عرضه نشود و در ستر مرور زمان و گذشت دور ایّام متروک و مهجور بماند و [از این رو] آن را ضمیمهٔ چهار خطابهٔ آقای وزیری قرار دادم.

مقدّمه نوشتن بر آثار این استاد کاری به غایت دشوار است. زبان شاعر هر چه فصیح باشد از عهدهٔ توضیح صَباحت[۱۱] دلربایان بر نمی‌آید. زیبایی‌ها را که در عالم هست، هرگز عبارات بلیغ و الفاظ رسا نمی‌توانند شرح دهند. تا کسی دیدهٔ بینا و نظر صائب نداشته باشد به درک آن فایق نمی‌گردد.

همان طور که تقریظ بر بیانات آقای وزیری زحمت بیهوده است، کسی که دارای فکر روشن و قریحهٔ صنعت باشد خود از این صحایف لذّتی خواهد برد و ضرورت به بیان من نیست، و آن کسی هم که چشم بینا ندارد اگر هم اوراق متعدد در وصف صحایف آیندهٔ این کتاب بخواند در حکم آینه داری در کوی کوران خواهد بود. اینک بهتر است که خوانندگان را بیش از این در این مقدّمهٔ کوچک سرگردان نگذارم و ایشان را فوراً به بیانات دلنشین آقای وزیری هدایت کنم. زیرا یقین دارم کسی که با اندوخته‌ای از فکر، و توشه‌ای از قریحهٔ صنعت به خواندن این رساله مقدّم می‌شود در ختام این سفر روحانی خود، مرا به خاطرهٔ قدرشناسی خویش یاد خواهد کرد که خدمت طبع و نشر این صحایف را که بهترین ره‌آورد برای صاحبان قرایح است، به عهده گرفته‌ام.

**تهران[۱۲]– شهریورماه ۱۳۰۴**

**سعید نفیسی**

---

۶. چاپخانه

۷. «در ماه ذیقعدهٔ ۱۳۴۰ ق /مرداد ۱۳۰۱ ش. مجلهٔ علمی و ادبی فارسی به نام ایرانشهر به مدیریت حسین کاظم‌زاده در برلین انتشار یافت، که اسماً پانزده روزه بود، ولی عملاً جز ماهی یک شماره از آن بیرون نیامد و تا رمضان ۱۳۴۵ ق جمعاً در ۴۸ شماره منتشر شد.» (از صبا تا نیما، ج۲، ص ۲۳۳)

۸. فیض دهنده، فیض رساننده

۹. دُرر جمع دُره، یعنی مروارید. دُرر یتیم: مروارید بی‌همتا و درشت

۱۰. غُرر جمع غُرّه، یعنی درست و استوار. غُرر افکار: افکار درست و استوار و برگزیده

۱۱. زیبایی

۱۲. در اصل: طهران